

تا چندی پیش، تحقیقات باستانشناسان اروپایی، تنها تکیه گاه ما در تحقیق و پژوهش درباره مساجد و دیگر ساختمانهای عمومی اسلامی بود. زیرا، علم باستانشناسی علم جدیدی است که در گذشته ما شناخته نشده و بنابراین، آنچه به ما رسیده است از غرب گرفته ایم. دانشمندان مسلمان در دوره های گذشته در هر موضوعی مطالبی نوشته اند و به بیان تاریخ هر چیزی پرداخته اند، به جز مساجد.

با وجود آنکه بسیاری از کتابهای تاریخ، جغرافی و سفرنامه دانشمندان مسلمان مزین به مطالب ارزشمندی درباره مساجد است، اما هیچ یک از آنها درباره ساختمان و خصوصیات مساجد تألیف مستقلی ندارند. و باید گفت که بسیاری از تاریخنگاران و نویسندگان پیشین ما از درک جهات زیبایی شناختی و اصالت مساجدی که هر صبح و شام بر آنها می گذشتند عاجز بودند. نگارنده در کتب بزرگانی همچون مسعودی، مقدسی و ابن خلدون به جستجوی مطالبی پرداخت که احساس واقعی آنان از زیبایی هنری و قوام شخصیتی ای که این مساجد از آن بهره می برند، بیان شده باشد، اما چیزی نیافت. احساسات این نویسندگان فقط در مقابل مساجدی به هیجان می آمد که بزرگ، مرتفع و با ساختی بغایت پیچیده باشد. اما در مقابل جلال و اصالتی که هر مسجدی را - هر چند کوچک - از مساجد دیگر متمایز می کند هیچ اثری از احساسات آنان یافت نمی شود.

اصالت معماری مسجد

هنگامی که در طرح اساسی ای که ساختمان مساجد بر مبنای آن بنا شده است تأمل می کنیم، در می یابیم که مسجد از دیگر پرستشگاهها به سبب اصالت بی نظیرش متمایز می شود. تمامی عبادتگاههای دنیا ساختمانهایی هستند بزرگ و مستبر، با دیوارهایی بلند و تالارهایی که با شمع و چراغ روشن می شوند، و فضاهای پیچ در پیچ و گاهی سحرانگیزی را در خود جای داده اند، که در دلها اثری ژرف اما ساختگی و با تکلف می نهند. در این پرستشگاهها کاهنان و بزرگان دینی با لباسها و هیتهایی خاص مشغول خدمت و برپایی مراسم عبادتند، به گونه ای که می خواهند بیشترین تأثیر را القا کنند. آنان در عبادتها از بخور، نورهای ضعیف، شعر، موسیقی، کلمات عجیب و مبهم و هر آنچه قلب عبادت کننده را تحت فشار و تأثیر قرار دهد و در برابر کاهن و شخصیت مذهبی به خضوع و اطاعت دارد استفاده می کنند. در این امر، کلیسا - با مذاهب مختلفش - کنیسه یهودیان، معابد بوداییان و معابد تمامی ادیان قدیمی مصری، آفریقایی، رومی و دیگر پرستشگاههای مذاهب در دنیای امروزی یکسانند.

اما در مساجد اسلام هرگز چیزی از این قبیل وجود ندارد. زیرا مسجد قطعه ای - کوچک یا بزرگ - از زمین است که

پیدایی مساجد

نویسنده: حسین مؤنس

مترجم: سید سعید سید حسینی

پس از نظافت، تسطیح و پاکیزه کردن آن، سمت قبله در آن مشخص می‌شود و به نماز اختصاص می‌یابد. این قطعه زمینها گاهی دارای دیوارند و گاهی بدون آن. با شن پاکیزه و با حصیرهای ارزان یا فرشهای گران قیمت فرش می‌شوند. گاهی بر روی این قطعه زمین بناهای عظیم با دیوارها، سقفها، گنبدها و مأذنه‌های بزرگ برپا می‌شود و گاهی نیز هیچ یک از اینها را ندارند، اما این در مسجد بودن آن تأثیری ندارد. زیرا یک مسجد ساده معمولی نیز همانند عظیمترین مساجد، مکانی مقدس با ویژگیهای ممتاز است. پیامبر اکرم (ص) مسجدالنبی را تنها با الهام از اسلام تأسیس کرد و پیش از آن ساختمان کلیسا یا کنیسه‌ای را مدنظر نداشت. براین اساس، مسجدالنبی (ص) با وجود سادگی بی‌حدش، به طور کامل تمامی نیازهای جامعه را درباره مسجد بر می‌آورد؛ و این همان معنای اصالت مسجد در اسلام است.

مسجدالنبی (ص) الگوی دیگر مساجد

رسول اکرم (ص) ساخت مسجد مدینه را چند ماه پس از هجرت به آنجا آغاز کرد. و پس از مدت اندکی - یعنی حدوداً دو ماه - در سال اول هجری (۶۲۲م)، آن را به پایان رساند، اما این اولین مسجدی نبود که پیامبر می‌ساخت. زیرا، پیش از آن مسجد قبا بوسیله سعد بن خیشمه و براساس نظر و طرح رسول اکرم (ص) ساخته شد. هر چند، اتمام ساخت مسجد قبا و استفاده از آن برای نماز، عملاً پس از انتقال پیامبر از قبا به خانه‌های بنی عدی بن نجار، در وسط مدینه، انجام گرفت. پیامبر پس از ورود به مدینه مسجد قبا را افتتاح کرد و با صحابه خویش در آن نماز گزارد. در قرآن از این مسجد ذکری به میان آمده است: «المسجد أسس علی التقوی من أول یوم أحق أن تقوم فیه، فیه رجال یحبون أن یتطهروا و اللہ یحب المطهرین» (مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته تر است که در آنجا نماز کنی. در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد.)

ما هیچگونه طرحی از نقشه مسجد قباى اولیه در دست نداریم. اما از مسجدالنبی تصور بسیار روشنی داریم. زیرا سیره نگاران به حد کافی از آن سخن گفته‌اند و دیرینه‌شناسان مسلمان و غیر مسلمان درباره جزئیات آن بررسیهای فراوانی کرده‌اند. تاریخنگاران نیز، درباره زیباسازیها و اضافات و تجدید بناهایی که پی در پی با گذشت زمان در آن اعمال شده است، تتبع و تحقیق کرده‌اند. به گونه‌ای که تصویر کاملی از تمامی مراحل بنای مسجد از زمان تأسیس تا به امروز قابل تصور است. وقتی در طرحی که پیامبر در ساخت مسجد اجرا کرد تأمل می‌کنیم وضوح، اصالت و تطابق کامل این طرح با روح اسلام، ما را به تعجب وادار می‌دارد. بی‌شک پیامبر طرحهایی کلی از شکل کلیساها و کنیسه‌ها در اختیار داشته است و دست کم در

سفر دومی که در سن ۲۴ سالگی با سرمایه خدیجه (س) و به همراه غلامش میسره به شام رفت کلیاتی از آن در ذهنش وجود داشت. اما در بنای مسجد هیچ یک از این طرحها تأثیر ندارد. و هیئت و طرح آن تنها برگرفته از روح اسلام است. و از آنجایی که اسلام دینی ساده و روشن است و تنها، جاده‌ای است میان عبدو خالق بنابراین مسجد پیامبر (ص) نیز مکانی است پاکیزه که بنده با آفریدگار خویش ملاقات می‌کند؛ قطعه‌ای تمیز، مسطح و پاکیزه از زمین که دیواری محیط بر آن است و محدوده این مکان پاکیزه مختص به نماز را تعیین می‌کند. این مکان نیازی به سروپوش و سقف نداشت و فقط به سقف ساختن بخشی از آن - در جلوی مسجد و به گونه‌ای بسیار ساده - اکتفا شد. به این ترتیب که ساقه‌های نخل در دو صف به موازات دیوار شمالی نصب گردید. آنگاه، روی آن با سایبانی از چوبهای بزرگ و شاخ و برگ درخت پوشیده شد. در جهت مقابل نیز سایبان همانندی برپا شد. در هر سایبان دو ردیف ساقه نخل وجود داشت که در هر ردیف شش ساقه بود؛ سه تا در راست و سه تا در چپ. با تمام سادگی، مساحت مسجد کم نبود و از همان ابتدا ۷۰ در ۶۳ گز بود. آنگاه در ایام رسول اکرم (ص) مسجد وسعت یافت و ۱۰ گز در عرض و ۲۰ گز در طول به آن افزوده شد. همچنین به وسیله چند ساقه نخل دو ستون در عرض و یک ردیف دیگر به شمال و جنوب دو سایبان افزوده شد. به این ترتیب مساحت کلی مسجد در سالهای آخر زندگی رسول اکرم (ص) ۵۶۷۰ گز مربع (حدود ۳۲۸۰/۸۶ متر) بود.

این مساحت برای یک مسجد جامع بسیار معقول است. بویژه آنکه در همین زمان در مدینه مساجد بی‌شمار دیگری ساخته شده بود. چنانکه سمهودی نزدیک به ۲۰ باب آنها را در اطراف شهر و محله‌های هر قبیله بر می‌شمرد. به عبارت دیگر مسجد الرسول (ص) برای جوامع اسلامی نوپا در حکم مسجدجامعی بود که ضمن آنکه در آن نمازهای جماعت برگزار می‌شد، پیامبر و اصحابش در آن گرد هم می‌آمدند، هر که می‌خواست پیامبر را در آنجا ملاقات می‌کرد و پیامبر هر آنچه می‌خواست - بشخصه یا بوسیله یکی از صحابه - به امتش ابلاغ می‌نمود و بدین ترتیب مسجدالنبی (ص) مرکز روحی، فکری و سیاسی امت و رمز وحدت آنان بود.

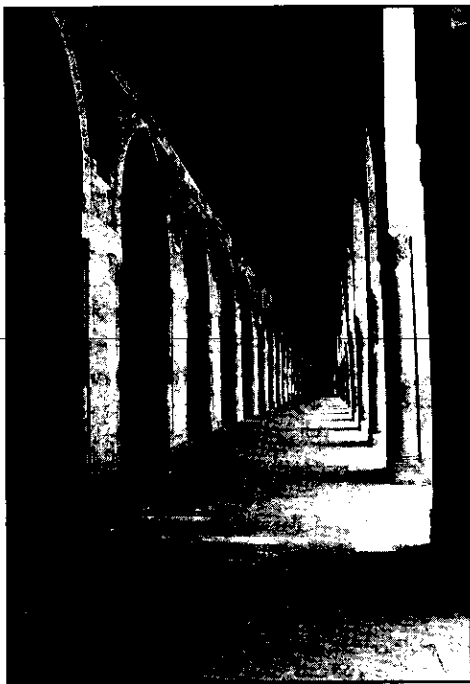
در واقع، مسجدالنبی (ص) باعث ایجاد عنصر مادی امت اسلامی و مکانی برای تجمع و دیدار مسلمانان شد. و لذا مکملی برای عنصر قانونی و شرعی تشکیل امت که بوسیله صحیفه رسول اکرم (ص) برای یکپارچگی مهاجرین و انصار و دیگر اهالی مدینه ایجاد شده بود، گردید.

پیامبر اکرم در رکن جنوب شرقی صحن مسجد حجره‌های زنان خویش را قرار داد. هر چند، برخی از دیرینه‌شناسان بر آنند که این غرفه‌ها خارج مسجد و چسبیده به دیوار آن بوده است. ولی این عقیده بعید به نظر می‌رسد، زیرا اینکه در حجره‌های رسول اکرم (ص) در داخل و سمت چپ باب ابی بکر

را قطع کنند و قبرها را نیش نمایند و در قبله مسجد سایبانی بزنند.

۵. طول مسجد را از قبله تا انتهای مسجد ۱۰۰ گز و در عرض نیز همین مقدار یا اندکی کمتر قرار دادند. پایه های دیوار را حدود سه گز گرفتند و آنگاه با خشت بنا کردند. خود پیامبر(ص) نیز همراه مسلمانان در کار ساخت شرکت می کرد و خشت و سنگها را جابجا می نمود، و می فرمود:

«اللهم لا عيش الا عيش الاخره
فاغفر للأَنْصار و المهاجرة»
خدایا آسایش تنها در آخرت است پس ببخشی بر مهاجر و انصار).



مسجد علی بن ابی طالب، قریون، تونس

بوده از مسلمات است.

همچنین، این غرفه ها دری نداشتند. بلکه، بوسیله پرده ای فضای داخل از خارج جدا می شد، و چنین چیزی تنها زمانی ممکن است که غرفه ها داخل محدوده دیوارهای مسجد باشد. به علاوه، چنانکه می دانیم پیامبر با صحابه خویش در بیرون غرفه ها و در صحن جامع گرد هم می آمدند. و نیز مسجد النبی(ص) اساساً، درهای اندکی داشته است که یکی از آنها (باب ابی بکر) مجاور حجره های پیامبر و چسبیده به آنها بود.

کسی دورتر از این حجرات، اهل صفا، اهل صفاه، همگی از مستمندانی نبودند که برای امرار معاش از طریق صدقات مؤمنان به این مکان پناه آورده باشند. زیرا، میان آنان اسامی کسانی یافت می شود که بعید است تا این حد فقیر باشند. از سوی دیگر، در میان اصحاب پیامبر کسی نمی پذیرفت که با صدقات همکیشان امرار معاش کند. زیرا، پیامبر از اینکه کسی با تکیه بر دیگران زندگی کند راضی نبود.

در اینجا جریان ساخت مسجدالنبی براساس روایت محمد بن مسلم بن شهاب زهری بیان می شود. وی یکی از سه نویسنده مغازی است. و تنها ابان ابن عثمان بن عفان(د. بین ۹۵ تا ۱۰۵ هـ. ق/ ۷۱۳-۷۲۳ م) و عروه بن زبیر(د. ۹۴ هـ. ق/ ۷۱۲ م) بر او مقدمند. زهری در سال ۱۲۴ هـ. ق/ ۷۱۴ م از دنیا رفت. مغازی وی تماماً سیره پیامبر اکرم(ص) است. اخبار وی درباره مسجد از صحابه ای که هنگام ساخت مسجد حضور داشته اند یا پس از آن در مسجد نماز گزارده اند، روایت شده است. بنابراین، روایت وی در این موضوع نسبت به ما در رتبه اول است. در اینجا روایت زهری به چند بخش تقسیم شده است تا اطلاعاتی که دربردارد بهتر بیان شود:

۱. شتر پیامبر در مکان کنونی مسجد به زمین نشست. این زمین مکانی بود که پیش از هجرت پیامبر برخی از مسلمانان در آن نماز برپا می کردند. این مکان مریدی^۳ بود متعلق به دو کودک یتیم انصاری که تحت تکفل اسعد بن زراره بودند، به نامهای سهل و سهیل.^۴

۲. پیامبر(ص) از آنها قیمت زمین را خواست آندو گفتند: ما زمین را به شما می بخشیم. اما رسول اکرم(ص) نپذیرفت. و بالاخره به ۱۰ دینار خریداری کرد. حنفیان در صحت تصرف غیر بالغ در اموالش به این روایت احتجاج می کنند.

۳. مسجد دارای دیواری بود بدون سقف و قبله آن رو به بیت المقدس قرار داشت.

۴. در این زمین درختان نخل و غرقده^۵ و قبرهای برخی مشرکان قرار داشت... رسول اکرم(ص) دستور داد تا درختان

۶. قبله مسجد را از خشت - برخی گفته اند از سنگ - روبه بیت المقدس ساختند.

حافظ ذهبی می گوید: این قبله را در سمت شمال مسجد بنا کردند. زیرا، پیامبر ۱۷ ماه رو به بیت المقدس نماز گزارد و پس از تغییر قبله دیوار قبله نخستین جایگاه اهل صفاه گردید.

۷. برای مسجد سه در گذاشتند: دری در انتها و دری که باب الرحمه خوانده می شد و دری که رسول الله(ص) از آن وارد می شد.

۸. ستونهای مسجد را از ساقه نخل و سقف آن را از شاخ و برگ ساختند و خانه‌هایی نیز اطراف آن بنا کردند.

۹. زمانی که از ساخت مسجد فارغ شدند خانه‌ای در شرق مسجد برای عایشه ساختند که امروزه جایگاه حجره اوست.

۱۰. حافظ شمس‌الدین ذهبی در *لبیل الروض* گوید: به ما چنین نرسیده است که هنگام ساخت مسجد یا پس از آن برای پیامبر نه خانه (برای زنان پیامبر) ساخته باشند. بلکه، تنها یک خانه برای ام‌المؤمنین سوده ساختند و دیگر خانه‌ای بنا نکردند، تا اینکه در ماه شوال سال دوم هجرت خانه‌ای برای عایشه ساختند.

از این سخن چنین به نظر می‌رسد که پیامبر خانه‌های خود را در زمانهای مختلف ساخته است.

۱۱. سهیلی از حسن بصری نقل می‌کند: من پیش از سن بلوغ وارد خانه پیامبر می‌شدم و در این سن دستم به سقف خانه می‌رسید [اشاره به کوتاهی سقف خانه دارد].

۱۲. هر خانه‌ای تنها یک اتاق داشت. و اتاقها تشکیل شده بود از نمدهایی که در میان چوب درخت عرعر جا گرفته بود.

۱۳. آمده است که در این خانه‌ها را با ناخن به صدا در می‌آوردند. کنایه از اینکه حلقه در نداشتند.

۱۴. پس از فوت زنان پیغمبر و در زمان عبدالملک بن مروان، خانه‌ها و حجره‌ها با فضای مسجد ادغام شد.

۱۵. در صحیح بخاری از ابن عمر نقل شده است: مسجد در زمان رسول اکرم (ص) با آجر، و سقف آن با برگ درختان و ستونهای از چوب نخل ساخته شد و ابوبکر نیز چیزی به آن نیافزود.

۱۶. عمر به بنای مسجد افزود و بر همان روش پیامبر یعنی با خشت و برگ، مسجد را بنا کرد و ستونهای چوبی را بازسازی نمود.

۱۷. آنگاه عثمان به مسجد تغییراتی داد، به این ترتیب که دیوار و ستونهای مسجد را با سنگهای نقشدار و کنده کاری شده و سقف آن را با ساج ساخت.

۱۸. خارجه بن زید گوید: پیامبر (ص) مسجد را به مساحت ۷۰×۶۰ گز - یا کمی بیشتر - بنا کرد.

۱۹. برخی سیره نویسان گویند: عثمان طول مسجد را ۱۶۰ و عرض آن را ۱۵۰ گز گرفت و همانند عمر شش در برای آن قرار داد.

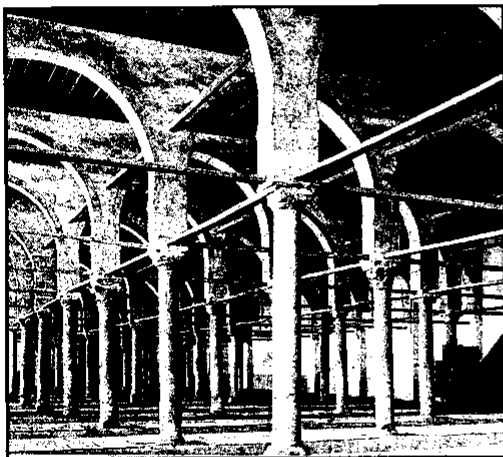
۲۰. سپس ولید بن عبدالملک به مساحت مسجد افزود و طول آن را به ۲۰۰ گز و عرض مسجد را در جلو به ۲۰۰ و در انتها به ۲۸۰ گز تبدیل کرد.

۲۱. مهدی عباسی نیز ۱۰۰ گز تنها به ضلع رو به شام مسجد افزود.

۲۲. نووی گوید: سزااست که مسلمانان تنها به بخشی که در عهد رسول اکرم (ص) ساخته شده است اعتنا کنند. زیرا، احادیثی که در فضیلت نماز در مسجدالنبی وارد شده است تنها

این قسمت را در بر می‌گیرد.^۶

سکونت رسول اکرم (ص) در مسجد بر اهمیت ویژه آن افزود، به گونه‌ای که مسجد مرکز سیاسی جامعه مسلمان شد. چه بسا، پیامبر نیز به همین منظور حجره‌های خود را در مسجد قرار داد. زیرا، برای ایشان چندان مشکل نبود که در نزدیک مسجد خانه‌ای برای خویش بسازد. اما، پیامبر می‌خواست اولاً پایگاهش در خود مسجد باشد، تا مسجد تبدیل به مرکز سیاسی جامعه شود و ثانیاً مسلمانان وضعیت زندگی پیامبر را - با وجود تسلط ایشان بر همه امور - به چشم خویش ببینند، تا خدمتگزاران جامعه اسلامی - در زمان پیامبر یا پس از ایشان - از این نمونه پیروی کنند.



مسجد فسطاط، مصر

پیامبر می‌خواست به آنان بیاموزد که خدمت به مردم در جامعه اسلامی ریاست و سیادت نیست. بلکه، خدمتی است که تنها برای خدا انجام می‌شود و هدف آن ثروت اندوزی، جاه طلبی، استفاده شخصی یا خودنمایی نیست؛ امر واجبی است که شخص به سبب عشق به اسلام و جامعه مسلمان و تنها برای پاداش اخروی به جا می‌آورد.

در اینجا به طور خلاصه، اصلاحات و تجدید بناهایی که تا زمان مهدی عباسی بر روی مسجد اعمال شده است، بیان می‌کنیم. در حقیقت از همین دوره بود که مسجد شکل تقلیدی به خود گرفت و این شکل - با وجود ترمیمها و تجدید بناهای متعدد - تا جنگ جهانی اول تغییری نیافت.

در بیان این مطلب، عمده اعتماد ما بر روی تحقیقات همه جانبه‌ای است که احمد فکری در بخش مدخل کتاب *مساجدالقااهرة و مدارسها* آورده است.

۱. مسجد در سال اول هجرت (۶۲۲م) ساخته شد. طول مسجد ۷۰ و عرض آن ۶۳ ذرع^۷ بود. سائبانی که در سمت قبله

گمانم توانایی اینکار را داشته باشی. زیرا، آنجا منازل دایی های توست و آنها با تو مخالفت نخواهند کرد. اما اگر کسی سر باز زد ملکش را به قیمت عادلانه ای قیمت گذاری کن و مبلغش را به او بپرداز. و به هر حال سرمشق تو در این کار عمر و عثمان باشد.

آنگاه عمر آنان را احضار کرد، و نامه را بر ایشان خواند. آنان نیز در مقابل فروش راضی شدند. بنابراین عمر بن عبدالعزیز تخریب خانه های زنان پیامبر و ساخت مسجد را آغاز کرد.

در همین اوان کارگرانی که ولید از شام فرستاده بود نیز رسیدند. همچنین، ولید پادشاه روم را از بازسازی مسجد آگاه کرد. پادشاه روم نیز ۱۰۰ هزار مثقال طلا، هزار بنا و ۴۰ شتر کاشی برای ولید فرستاد.

بنای مسجد بر همان شکل و هیئتی که در زمان عثمان بن عفان بود بازسازی شد. اما، به استواری و زیبایی آن افزوده شد.

۷. مهدی عباسی، سومین خلیفه بنی العباس، در سال ۱۶۰ هـ. ق/ ۷۷۸ م مسجد را بازسازی کرد. او ۶۵ گز به سمت شمالی مسجد افزود و سمت عقب مسجد (مقابل شبستان) را با کاشی تزیین کرد.

مسجد ۱۴ قرن به همین شکل باقی ماند. ابن جبیر که در سال ۵۸۰ هـ. ق/ ۱۱۸۴ م مسجد را زیارت کرده است آن را چنین وصف می کند: اندازه این مسجد تقریباً ۱۶۵ × ۲۲۵ گز است، و تشکیل شده از یک صحن وسیع که پیرامون آن را یک شبستان در سمت دیوار قبله و بخش پوششدار و مسقفی در انتها - در سمت مقابل قبله - و دو سوی شرقی و غربی احاطه کرده است. عمق شبستان از پنج اسکوب^۸ و عرضش از ۱۸ بلاطه^۹ تشکیل یافته است که بر ۱۷ ردیف ستون قرار دارد. بخش مسقف شرقی از سه رواق و قسمت غربی از چهار رواق تشکیل شده است. و مجموعاً مسجد ۲۹۰ ستون دارد.

۸. مسجد در سال ۶۵۴ هـ. ق/ ۱۲۵۶ م آتش گرفت و سلطان طاهر بیبرس آن را به همان شکل بازسازی کرد.

۹. مسجد در دوره های مملوکی و عثمانی بارها ترمیم و بازسازی شد.

۱۰. سپس برای آخرین بار مسجد به طور کلی بازسازی شد و شکل زیبای امروزی را به خود گرفت.

دستور ساخت و توسعه جدید، در زمان ملک عبدالعزیز آل سعود و در شعبان سال ۱۳۶۸ هـ. ق/ ۱۹۴۹ م صادر شد. و در شوال ۱۳۷۰ هـ. ق/ ۱۹۵۱ م مقدمات اجرای دستور ملک عبدالعزیز انجام گرفت، و ۲۰۰ بنا در ساخت و کارهای فنی و هنری مسجد از مصر، سوریه، پاکستان، یمن و حضرموت شرکت جستند و بالاخره در ربیع الاول ۱۳۷۳/ نوامبر ۱۹۵۳ م سنگبنای مسجد گذاشته شد. ساخت مسجد در عصر ملک سعود بن عبدالعزیز در ۵ ربیع الاول ۱۳۷۵ هـ. ق/ ۱۱۳ اکتبر

قرار داشت، از دو ردیف نخل موازی با دیوار قبله تشکیل یافته بود و در هر ردیف به جای ستون از ساقه های نخل استفاده شده بود، که سه تای آن در سمت راست و سه تای دیگر در سمت چپ قرار داشت. سایبان دیوار روبرو (جایگاه اهل صفة) نیز از لحاظ شکل و اندازه با این سایبان برابر بود.

۲. اضافات زمان رسول اکرم (ص):

- ۱۰ گز از سمت شرق و ۲۰ گز از سمت غرب به بنای مسجد اضافه شد.

- به ستونهایی که از ساقه های نخل بود، از سمت شرق یک عدد و از سمت غرب دو عدد افزوده شد.

۳. در سال ۱۲ هـ. ق/ ۶۳۳ م ابوبکر سایبانهای مسجد را بر همان هیئت و شکل سابق تجدید بنا کرد و تنها شاخه و ساقه های نخل جدیدی را جایگزین قلیها نمود.

۴. در سال ۱۷ هـ. ق عمر مسجد را تجدید بنا کرد و وی به جای ساقه های نخل ستونهای آجری قرار داد و سقف سایبانه را ابتدا با شاخ و برگ و سپس با خشت ساخت. عمر به معمار سفارش کرد که آن را قرمز یا زرد نکند، تا رنگها تمرکز مردم را برهم نزنند. او به طول مسجد افزود و دیوار قبله را ۱۰ گز جلو برد و سمت مقابل را نیز مقداری امتداد داد تا در نهایت طول مسجد ۱۳۰ و عرض آن ۱۲۰ گز شد.

۵. عثمان بن عفان در سال ۲۹ هـ. ق/ ۶۴۹ م مسجد را بازسازی کلی کرد. وی به بنای مسجد بسیار افزود. به این ترتیب که دیوارهای آن را با سنگهای نقشدار - یا سنگهای مکعب شکل - ساخت، و روی این سنگها را با لایه ای از گچ پوشاند و در واقع گچکاری کرد، و ستونها را از آجر به سنگ تبدیل نمود. در پایان کار مساحت مسجد ۱۶۰ × ۱۳۰ گز شده بود. همچنین به ارتفاع دیوارها افزود، و پنجره هایی در بالای دیوار و نزدیک سقف شبستان ایجاد کرد. تمام این اضافات به عمل آمده تحت اشراف زید بن ثابت بود.

۶. در زمان ولید بن عبدالملک و در سالهای ۸۸ تا ۹۱ هـ. ق/ ۷۰۶ تا ۷۰۹ م مسجد دوباره بازسازی شد. این بازسازی بوسیله عمر بن عبدالعزیز، والی ولید بر مدینه، انجام شد و صالح بن کیسان نسبت به تخریب و ساخت آن اشراف داشت.

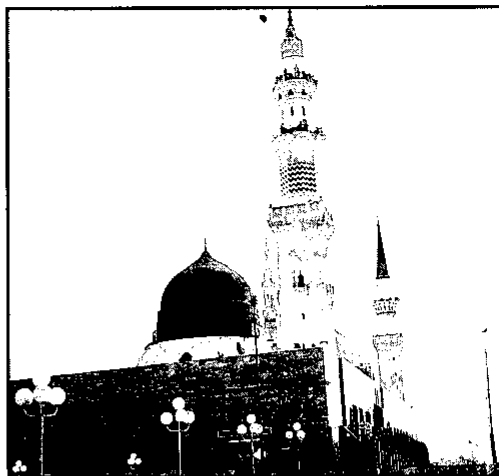
در کامل ابن اثیر درباره این ساختمان چنین آمده است: در سال ۸۸ هـ. ق ولید به عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، نامه ای نوشت و در آن به عمر دستور داد تا حجره های زنان پیغمبر را به مسجد بیافزاید. همچنین هر مقدار زمینی را که در اطراف مسجد وجود دارد بخرد، تا اینکه مساحت مسجد ۲۰۰ × ۲۰۰ گز بشود.

سپس ولید گفت: اگر می توانی دیوار قبله را جلو ببر و به

۳. مسجد فسطاط

طرح اولیه آن را عمرو بن عاص در سال ۲۱ هـ. ق/ ۶۴۲ م ریخت. و اندازه نخستین آن ۳۰×۵۰ گز بود. سقف خشتی شبستان بر روی ستونهایی از نخل واقع بود و مسجد، صحن چندان وسیعی نداشت. این مسجد ۱۶ بار بازسازی و توسعه داده شد که نخستین آن در سال ۵۳ هـ. ق/ ۶۷۲ م و به دست مسلمة بن مخلد انصاری، والی معاویه بر مصر، و آخرین آن در سال ۱۲۱۱ هـ. ق/ ۱۷۹۶ م توسط مرادبیک، آخرین حاکم مملوکی بر مصر، انجام گرفت.

بنای کنونی مسجد جدید است، و در دهه های اولیه همین قرن ساخته شد. طرح ساختمان کنونی مسجد با آنچه در توصیفهای تاریخنگاران یافت می شود ارتباط چندانی ندارد. گفته می شود که مسلمة بن مخلد در بازسازی مسجد چهار مثذنه نیز به آن افزود. اگر این مطلب درست باشد، این اولین مثذنه در مسجد خواهد بود. اما، مشهور چنان است که اولین و قدیمترین مثذنه، متعلق به جامع عقبه بن نافع در قیروان است که در سالهای ۵۰ تا ۵۵ هـ. ق ساخته شد.



قبة الخضراء، مسجد النبی(ص)، مدینه

۴. مسجد عقبه بن نافع در قیروان

این مسجد پدر مساجد بخشهای غربی سرزمینهای اسلامی است. زمانی که عقبه بن نافع شهر قیروان را - بین سالهای ۵۰ تا ۵۵ هـ. ق/ ۶۷۰ تا ۶۷۵ م - بنا کرد، این مسجد را نیز ساخت. مسجد در ابتدا قطعه زمینی بود که با دیوار خشتی ضخیمی به شکل قلعه احاطه شده بود. ما طرحی از شبستان مسجد در دست نداریم اما، می دانیم که حسان بن نعمان، والی عبدالملک مروان بر مغرب، هنگام بازسازی مسجد - ۸۰ هـ. ق/ ۶۹۴ م - برجهایی بر روی دیوارها قرار داد؛ یعنی مسجد عملاً شکل قلعه به خود گرفت که بعدها تمامی مساجد مغرب همین شکل و هیئت را حفظ کردند.

مسجد پنج بار بازسازی شده است:

- ابتدا حسان بن نعمان در سال ۸۰ هـ. ق/ ۶۹۴ م آن را ساخت.

- سپس در سال ۱۰۵ هـ. ق/ ۷۲۳ م بشر بن صفوان، کارگزار هشام بن عبدالملک، آن را بازسازی کرد.

- آنگاه یزید بن حاتم در سال ۱۵۵ هـ. ق/ ۷۷۲ م آن را تجدید بنا نمود.

- پس از آن در سال ۲۲۱ هـ. ق/ ۸۳۶ م بوسیله زیاده الله بن اغلب بازسازی شد.

- و در نهایت کسی که آخرین تغییر را در مسجد به عمل آورد ابراهیم بن احمد، هشتمین امیر بنی الاغلب، در سال ۲۶۱ هـ. ق/ ۸۷۵ م بود.

این چهار مسجد، نخستین مساجد جامع اسلامی هستند که به طور اختصار تطور و بازسازیهای آنها بیان شد.

۱۹۵۵ م به پایان رسید. در پایان کار، مساحت مسجد ۱۶۳۲۶ متر مربع شد که در واقع ۶۰۲۴ متر مربع به مساحت قبلی افزوده شد. دو مثذنه ۷۰ متری نیز برای مسجد ساخته شد. در ساخت مسجد جدید بهترین و مرغوبترین سنگهای مرمر و سنگهای سفید و رنگین و آجرهای خوب و سنگهای معدنی گران قیمت به کاررفته است به گونه ای که در نهایت، ساخت مسجد بیش از ۵۰ میلیون ریال سعودی هزینه برداشت.

مساجد جامع اولیه

پس از اینکه از مسجد الرسول(ص) در مدینه، پدر تمامی مساجد، سخن گفتیم برخی مساجد جامع اولیه را - به طور گذرا - یادآور می شویم:

۱. مسجد بصره

نقشه مسجد را عقبه بن غزوان در سال ۱۴ هـ. ق/ ۶۳۵ م طراحی کرد. مسجد عبارت بود از مساحتی از زمین که تماماً بوسیله نی مسقف بود. این سقف بر ستونهایی از ساقه نخل و خشت استوار شده بود. دور مسجد را دیواری احاطه نکرده بود بلکه، به جای آن خندقی حفر شد.

۲. مسجد کوفه

این مسجد را سعد بن ابی وقاص در سال ۱۵ یا ۱۷ هـ. ق/ ۶۳۶ یا ۶۳۸ م طراحی کرد. این مسجد نیز در ابتدا از نی بود، و گرداگرد آن را دیواری از نی احاطه کرده بود. زیاد بن ابیه در سال ۵۱ هـ. ق/ ۶۷۰ م، مسجد را با آجر بازسازی کرد.

۲. در متن اصلی «ذراع» آمده است که به دلیل یک اندازه بودن آن با «گز» فارسی به این کلمه برگردانده شد. هر «گز» برابر است با یک ذرع یا ذراع که همگی مقیاس طولی برابر با ۱۶ گره یا ۱/۰۴ متر. ر. ک: مشیری، مهشید، نخستین فرهنگ الفبایی - قیاسی زبان فارسی، سروش، تهران، ۱۳۷۴، ج ۳، ذیل: «ذرع» (مترجم)
۳. مرید به زمینی گفته می‌شود که خرما و دیگر میوه‌ها را برای خشک کردن در آن قرار می‌دهند.

۴. سهیلی در شرح خود بر سیره این هشام می‌گوید: سهیل در جنگ بدر و دیگر جنگهای اسلامی حاضر بود و در خلافت عمر بدرود حیات گفت. اما سهیل به جز بدر در دیگر جنگها شرکت داشت.
این بدان معناست که سهیل در زمان جنگ بدر جوان بالنی بوده است. زیرا رسول اکرم (ص) به کسانی که به سن رشد نرسیده بودند اجازه شرکت در غزوه بدر را نمی‌داد. بنابراین این امکان وجود ندارد که در هنگام ساخت مسجد، او طفلی تحت تکفل اسعد بن زراره باشد. همچنین برادر سهیل نیز هم سن او بود زیرا در جنگ احد شرکت کرده است. بنابراین می‌توان در اصل این مطلب شک کرد و چنین نتیجه گرفت که شتر رسول اکرم (ص) در آن نقطه به زمین نشسته است بلکه - همان گونه که راویان به اجماع گفته‌اند - در مقابل خانه ابویوب خالد انصاری نشسته و خانه ابویوب نیز از مکان مسجد دور است. پس درستتر آن است که مسجد زمین بایری در نزدیکی خانه اسعد بن زراره بوده است و پیش از هجرت او با یارانش در آنجا نماز می‌گزارند. و از آنجا که تمامی اهل مدینه این حق را برای پیامبر قائل بودند که هر زمین بدون مالک و بایری را برای مصالح عمومی تصرف کند، لذا پیامبر نیز آن را برای مسجد برگزید. و گویا این داستان بعدها ساخته شده است تا کسی نسبت به زمین مسجد ادعایی نداشته باشد.

اگر چه مؤلف تعارض اندک بین دو خبر را به خوبی کشف کرده است، اما این تعارض قابل حل است، به این شکل که احتمالاً سهیل تا زمان جنگ بدر به سن رشد و بلوغ رسیده است. یا شرکت سهیل - که نزدیک به سن رشد بوده است - به عنوان جنگجو نبوده بلکه برای امور دیگر جنگ بوده است. ضمن اینکه ترجیح خبر این هشام برزهری چندان معلوم نیست. (مترجم)

۵. غرقد که در برخی لغتنامه‌ها دیوخار و در برخی دیگر عوسج معنا شده است درختی است خاردار که میوه‌ای قرمز رنگ دارد و شبیه عناب است و معمولاً در زمینهای غیر معمور می‌روید.
ر. ک: دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ذیل: «غرقد» و «عوسج» محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل: «عوسج» و «دیوخار». (مترجم)

۶. ر. ک: زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد بأحكام

چنین تعصبی از سوی امثال نووی چندان قابل اعتنا نیست. زیرا امت اسلام از دیاد جمعیت یافته است و بحمدالله در حال ازدیاد است و نمازگزاران مسجدالرسول با گذشت زمان کثرت یافته‌اند و بنابراین اکتفا به نماز در مسجد زمان پیامبر امکان ندارد. پس صواب آن است که مسجد نبوی هر قدر وسعت یابد و مساحتش افزوده شود نماز در تمام نقاطش استحباب دارد.
۷. در زمان پیامبر در مدینه هر ذرع تقریباً برابر ۵۸ سانتیمتر بوده است.

متأسفانه مؤلف برای این مطلب سندی ارائه نکرده است. (مترجم)
۸ و ۹. اسکوب و بلاطه در اصطلاح به مقدار مساحتی گفته می‌شود که معمولاً بین چهارستون مسجد محصور است. اما بلاطه مقیاسی است برای اندازه‌گیری عرض شبستان - که موازی با دیوار قبله می‌باشد - و اسکوب برای اندازه‌گیری عمق آن است. ر. ک: مؤنس، حسین، المساجد، مجلس الوطنی للثقافة والفنون و الآداب، کویت، ۱۴۰۱ هـ. ق، صص ۸۸ و ۸۹ (مترجم)